

## مقدمه

وقتی کرسی «حقوق اساسی»<sup>۱</sup> برای اولین بار در قرن نوزدهم میلادی (سال ۱۸۳۴م) به وسیله «فرانسوا گیزو»<sup>۲</sup>، رجل سیاسی و دولتمرد مشهور فرانسوی، در دانشکده حقوق پاریس تأسیس و تدریس آن به «پلگرینو روسی»<sup>۳</sup>، حقوق دان مشهور ایتالیایی واگذار شد<sup>۴</sup> و به این ترتیب با تدریس و افزوده شدن تدریجی سایر دروس «حقوق عمومی»، استقلال این رشته از سال ۱۹۵۴م به روشنی چهره خود را آشکار ساخت،<sup>۵</sup> جهان غرب سال‌ها قبل از این واقعه و به دنبال موج تجربه‌گرایی در علوم و تحت تأثیر اندیشه‌ها و نظریات اندیشمندانی چون گروسوس<sup>۶</sup>، هابز<sup>۷</sup>، جان لاک<sup>۸</sup>، منتسکیو<sup>۹</sup>، ژان ژاک روسو<sup>۱۰</sup> و کانت<sup>۱۱</sup> مکاتب و نهضت‌هایی همچون مکتب پوزیتیویسم و مکتب قراردادگرا را بنیان نهاده بود که براساس آموزه‌های این مکاتب، قواعد حقوقی، متکی بر حقایق ملموس و تجربی شده و علوم ارزشی و انسانی رنگ متافیزیکی خود را از دست داده بود و منشأ الهی آن نیز نادیده گرفته شده بود<sup>۱۲</sup> که مسلماً این نگرش به مثابه یک هژمونی علمی و گفتمان رایج، «حقوق عمومی» را نیز دربر گرفته و سطوح، شاخه‌ها و

- 
1. constitutional law
  2. François Guizot
  3. Pellegrino Rossi

۴. ر.ک.: قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی: کلیات و مبانی، ج ۱، ص ۳؛ عمید زنجانی، حقوق اساسی تطبیقی (حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی)، ص ۲۸.

۵. دومیشل و لالومی‌یر، حقوق عمومی، ص ۱۶.

6. Hugo Grotius (1583-1645)
7. Hobbes (1588-1679)
8. John Lock (1632-1704)
9. Montesquieu, C. L. (1689-1755)
10. Jean Jacques Rousseau (1712-1778)
11. Kant, L. (1724-1804)

۱۲. ر.ک.: مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۵۲-۶۰؛ ابدالی، درآمدی بر فلسفه حقوق و نظریه‌های حقوقی، ص ۹۲؛ دانش‌پژوه و خسروشاهی، فلسفه حقوق، ص ۵۸.

لایه‌های آن را درنور دیده بود و به این ترتیب «حقوق عمومی» در چنین بستر و فضایی رشد و نمو یافته و در معرض اجرا، نفوذ و گسترش قرار گرفته بود.<sup>۱</sup>

با توسعه نهضت «دستورگرایی»<sup>۲</sup> و گرایش به تدوین و تصویب قوانین اساسی شکلی، «کشور ایران نیز در رده نخستین کشورهای آسیایی بود که در سال ۱۹۰۶م (۱۲۸۵ش) وارد جرگه جنبش دستورگرایی گردید»<sup>۳</sup> و به این ترتیب قانون اساسی مشروطیت با نام «نظامنامه اساسی» مشتمل بر ۵۱ اصل در دی‌ماه ۱۲۸۵ش تصویب و پس از آن در دی‌ماه ۱۲۸۶ش، متمم قانون اساسی مشروطه در ۱۰۷ اصل به تصویب رسید.<sup>۴</sup>

علی‌رغم این که جریان فقاقت و اجتهاد مؤثرترین جریانی بود که نهضت مشروطه را رهبری و حمایت می‌کرد به نحوی که در تهران سیدین سندین آیت‌الله سید محمد طباطبائی و آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی و شیخ شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری رهبری جنبش مشروطه را برعهده داشتند<sup>۵</sup> و از نجف اشرف مراجع عظام و در رأس آن‌ها آیات عظام آخوند خراسانی، ملاعبدالله مازندرانی و میرزا حسین تهرانی مردم را در احقاق حق خود یاری می‌دادند و همچنین از نظر تئوریک، استوارترین متن سیاسی-فقهی در حمایت از مشروطه را آیت‌الله میرزا محقق نائینی نگاشتند،<sup>۶</sup> اما به تدریج و پس از پیروزی‌های اولیه، انحرافات در مشروطه رخ داد به نحوی که جریان روشنفکری و پس از آن استبداد پهلوی جایگزین جریان فقاقت و اجتهاد گردید.<sup>۷</sup> لذا با این که در شکل‌گیری و تصویب قانون اساسی مشروطه جریان فقاقت و علمای دین، نقشی اساسی داشتند، اما اولین کتب حقوقی در تفسیر و تشریح قانون اساسی مشروطیت، بدون توجه به مبانی دینی و اسلامی قانون مذکور نگاشته شد.<sup>۸</sup>

۱. ر.ک.: قاضی، گفتارهایی در حقوق عمومی، ص ۷۹؛ ویژه، مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی، ص ۱۴؛ گرجی، مبانی حقوق عمومی، ص ۴.

## 2. constitutionalism

۳. قاضی، گفتارهایی در حقوق عمومی، ص ۸۹.

۴. ر.ک.: پاشا، سرگذشت قانون، مباحثی از تاریخ حقوق، دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز، ص ۲۴۳.

۵. ر.ک.: نجفی و فقیه حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۲۴۱-۲۵۹.

۶. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: حائری، تشیع و مشروطیت؛ آبادیان، مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروطه؛ نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله.

۷. نجفی و فقیه حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۴۰۴-۴۰۷.

۸. کتاب حقوق اساسی (یعنی آداب مشروطیت دول به عنوان اولین کتاب حقوق اساسی در ایران به‌وسیله محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) و به تبع تصویب قانون اساسی مشروطیت و در دوران اولین مجلس ملی و ←

و این اولین سنگ بنای شکاف بین نظام حقوقی و حقوق عمومی و تألیفات مرتبط با آن با دین اسلام و جریان فقهی و مکتبی بود.

این در حالی بود که دین اسلام با هدف غایی سیر تکاملی انسان به سمت خدا: «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ»<sup>۱</sup> و فراهم ساختن سعادت دنیوی و اخروی انسان: «لِيُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَىٰ النُّورِ»<sup>۲</sup> و با هدف رهایی انسان از بندگی جهل، نادانی، گمراهی و طاغوت: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»<sup>۳</sup> از سه ویژگی و رکن اساسی جاودانگی، جامعیت و خاتمیت برخوردار است؛ چرا که قرآن کریم در آیات متعددی با جوامع الکلمی چون: «يَتَأْتِيهَا النَّاسُ»، «يَدِينِي ۖ آدَمَ» و «لِلْعَالَمِينَ»<sup>۴</sup> نوع انسان را مورد خطاب قرار می‌دهد<sup>۴</sup> و جامعیت و جهانی بودن آن را ثابت و پیامبر اسلام (ص) را به عنوان خاتم پیامبران معرفی: «وَلَيْكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ»<sup>۵</sup> و با تعبیر: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»<sup>۶</sup> جاودانگی دین اسلام را بیان می‌فرماید.

دین اسلام با برخورداری از ویژگی‌های سه گانه مذکور، همواره به ابعاد مختلف وجودی انسان پرداخته و از هیچ جنبه‌ای غافل نمانده است: «اسلام که جهان شمولی خود را با دو اصل کلیت و دوام یعنی همگانی و همیشگی بودن خویش اعلام داشت کیفیت تعامل صحیح بشر با یکدیگر و نیز با زمان و زمین و سپهر همانند چگونگی رفتار و گفتار و کردار با ساحت فراطبیعت را به خوبی بیان کرد»<sup>۷</sup>.

یکی از این جنبه‌های مهم و سرنوشت ساز، مناسبات افراد در سطح یک جامعه سیاسی با همدیگر از یک سو و با حکومت و دولت‌ها از سوی دیگر است که از آن به «حقوق عمومی» یاد

→ یک سال بعد از صدور فرمان مشروطیت نگاشته شد. سه سال پس از کتاب فروغی، کتاب دیگری با عنوان حقوق اساسی یا اصول مشروطیت به وسیله منصورالسلطنه عدل (میرزا مصطفی خان) در سال ۱۲۸۹ش تألیف و منتشر شد (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: موسی زاده و براری، مبانی، کلیات و تحولات تاریخ حقوق عمومی، ص ۶۵).

۱. نجم/۴۲.

۲. ابراهیم/۱.

۳. اعراف/۱۵۷.

۴. ر.ک.: بقره/ ۲۱، اعراف/ ۲۶-۲۷، یس / ۶۰، فاطر/ ۱۵، نساء/ ۱، بقره/ ۱۸۵، آل عمران/ ۱۳۸، انعام/ ۹۰،

یوسف/ ۱۰۴.

۵. احزاب/۴۰.

۶. توبه/ ۳۳.

۷. ر.ک.: جوادی آملی، مفاتیح الحیاة، ص ۴۸.

می‌شود. حقوق عمومی یکی از بنیادی‌ترین گرایش‌های حقوقی است که از روابط حقوقی حکومت و دولت با شهروندان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بحث می‌کند و به مسائل پراهمیت، مؤثر و کلانی می‌پردازد که از جمله آن‌ها می‌توان به حاکمیت و منشأ آن، دولت و اقتدار آن، ساختار و وظایف حکومت، روابط متقابل دولت و مردم، وظایف و اهداف دولت، جایگاه شهروندان در حکومت، حقوق ملت، وظایف متعدد دولت نسبت به شهروندان و متقابلاً حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان نسبت به حکومت و دولت اشاره داشت.

اهمیت مسائل مذکور به حدی است که به چشم‌انداز این مسائل و موضوعات در قوانین اساسی هر کشوری با عناوین مبانی حاکمیت، شکل حکومت، ساختار و وظایف دولت، حقوق ملت، منابع و مبانی قانونگذاری، نظارت بر قانونگذاری و حکومت، امنیت و عدالت قضایی، سیاست خارجی، نقش و جایگاه مردم و غیره تصریح شده است. تصریح به این مسائل در عالی‌ترین میثاق حقوقی-سیاسی (قانون اساسی) نشان از اهمیت و نقش بی‌بدیل آن‌ها در «نظام‌سازی» و «کارآمدی» نظام‌های حقوقی و سیاسی دارد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل و تأسیس ساختار حقوقی و تصویب قانون اساسی آن، جمهوری اسلامی ایران که به حق ادعای عظیم حکومت امت واحده<sup>۱</sup> را مطرح و روابط صلح‌آمیز متقابل<sup>۲</sup> و سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند<sup>۳</sup> و مبانی و اصول آن را در اندیشه و باور خود نهادینه کرده و در انتظار جامعه جهانی به زعامت زعیم آسمانی و مهدی محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) روزشماری می‌کند، قطعاً باید هم در عرصه علم و هم در

۱. اصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: به حکم آیه کریمه *إِنَّ هِدْيَمَةَ أُمَّتِكُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ* همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

۲. اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.

۳. اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

صحنه عمل خود را باور کند و گام بردارد، به ویژه این که با پذیرش ابتنای قوانین بر موازین اسلامی و نظام ولایت امر و امامت امت،<sup>۱</sup> فقه غنی و سترگ شیعه جامعه حکومت و نظام سیاسی بر تن کرده و حوزه‌های پر افتخار و عالمان بزرگ دینی با تولید علم و معرفت کارآمد مبتنی بر معارف دین و مستنبط از جواهر کلام آل‌الله (صلوات الله علیهم اجمعین) گام در متن روابط سیاسی، حقوقی، اجتماعی و بین‌المللی نهاده و دنیا را متوجه خود ساخته‌اند؛ لذا تهیه آثار متقن علمی و عرضه آن به جامعه علمی در این راستا، بیش از پیش ضروری و حقیقتاً گران‌سنگ می‌نماید.

از این رو، تبیین و تحلیل دقیق و منظومه‌وار مفاهیم، جایگاه، ماهیت و کارکردهای حقوق عمومی و نظام سیاسی اسلام مبتنی بر آموزه‌های سپهر و حیانی و کلام ربانی و «در صحابت دو بال توانمند معرفتی»<sup>۲</sup> یعنی «عقل و نقل» از اهمیت فراوانی برخوردار است که هر چند در برخی گرایش‌های حقوقی از جمله «حقوق مدنی» و «حقوق کیفری» به دلیل وجود متون مدون فقهی، منابع و آثار مهمی تولید و عرضه شده‌اند، اما این مهم در «حقوق عمومی»، «حقوق بشر»، «حقوق بین‌الملل» و غیره رخ نداده است<sup>۳</sup> که شاید یکی از دلایل آن، فقدان ابواب مدون فقهی درباره مباحث شعبه‌های «حقوق عمومی» باشد که البته فقدان بابی مدون در خصوص یک موضوع به معنای فقدان مبانی و ریشه‌های آن موضوع در منابع و مصادر دینی و اسلامی نیست که تولید و عرضه آثاری به ویژه پس از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، با هدف معرفی و تحلیل مبانی نظام حقوقی و سیاسی اسلام دلیل بر این مدعاست.<sup>۴</sup> باید

۱. اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدبر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

۲. ر.ک.: جوادی آملی، *مفاتیح الحیاة*، ص ۴۲-۴۵.

۳. طرح مسائل و موضوعات مربوط به حقوق عمومی در کلام و بیان فقهای معزز و حکمای معظم اسلامی به آن شیوه‌ای که در دانشگاه‌ها مرسوم است، معمول نبوده و رواج ندارد. با وجود این، نباید چنین پنداشت که در این باره اندیشه قابل ذکری وجود ندارد، بلکه مبانی و پایه‌های عمیق فکری و غنی علمی وجود دارد که دستی هنرمند باید تا مواد خام و پراکنده را به شیوه مناسب و مرسوم با حقوق عمومی تدوین و ارائه کند.

۴. حق‌ناشناسی است اگر در همین مقام از طلابه‌دار و استاد پیشکسوت حقوق عمومی و حقوق اساسی و بنیان‌گذار نظام‌سازی اسلامی مبتنی بر فقه سیاسی دانشگاهی استاد آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی (ره) سخنی ←

اذعان داشت که به دلیل دیدگاه‌های مشتت و بعضاً متعارض در موضوعات و مسائل حقوق عمومی و عدم تفسیر صحیح آن در پرتو منابع و مبانی اصیل دینی و عدم ارائه مسائل حقوق عمومی در قالب مفاد منسجم و منظومه وار و متکی به زیرساخت‌های اصیل دینی، خلأها و مشکلات بسیاری در عرصه‌های گوناگون مشاهده می‌شود که یکی از راه‌حل‌های اساسی رفع این معضلات، تبیین و تحلیل موضوعات کلیدی حقوق عمومی در پرتو منابع و مبانی اصیل وحیانی و متکی بر اندیشه‌ای نظام‌مند است تا بتوان دیدگاه‌های اسلام ناب در عرصه‌های حقوق عمومی و مسائل برخاسته از آن را با الگویی منظومه وار مطرح و ارائه کرد.

بر این اساس نگارش و شکل‌گیری این اثر براساس ضرورت تبیین «حقوق عمومی» در پرتو منابع وحیانی و با اهداف: (۱) تولید ادبیات متقن و سازوار دینی در راستای تبیین رهیافت‌های تازه درباره فهم و تفسیر نظام حقوقی اسلام به‌ویژه نظام جمهوری اسلامی، (۲) بسط و تعمیق نظام حقوقی-سیاسی اسلامی با توجه به پرسش‌های شکل گرفته در اذهان اندیشمندان و نهایتاً (۳) تقویت مبانی هویت دینی و دانشی پژوهشگران و دانش پژوهان عرصه «حقوق» به‌ویژه «حقوق عمومی» صورت می‌گیرد.

در اثر پیش رو که رشحات بنانی و بیانی حکیم متأله، استاد علامه آیت‌الله جوادی آملی «ادام‌الله ظلّه العالی» در حوزه مباحث حقوق عمومی و مستنبط و مستخرج از اندیشه و افکار معظم‌له و به عاریت و استعاره از آثار مکتوب و مطبوع ایشان است به مباحث و مبانی نظری حقوق عمومی و مبانی تحلیلی نظام حقوقی-سیاسی اسلام و جمهوری اسلامی می‌پردازیم و بر محورهای اساسی آن در چارچوب «الگویی منظومه‌ای» و با استفاده از دو جنبه روشنگرانه «نقل» و «عقل» تأکید می‌شود.

مطالعه و جست‌وجو در میان آثار نفیس و فاخر علمی که از حضرت استاد علامه جوادی آملی «زید عزه» در ابعاد گوناگون قرآنی، تفسیری، فقهی، اجتماعی-سیاسی، فلسفی و غیره به مرحله طبع و نشر رسیده است، نشان می‌دهد که تاکنون تحقیق مستقلی در زمینه حقوق عمومی تنظیم و ارائه نشده است. هرچند در برخی از مسائل مرتبط با «حقوق» نه «حقوق عمومی» آثاری

---

→ به میان نیاید. کسی که با بیش از ۵۰ سال فعالیت عمیق و تتبع گسترده در فقه سیاسی و با بیش از ۳۰ سال تحقیق و تدریس مستمر در حقوق اساسی و حقوق عمومی و با تألیف بیش از سی جلد کتاب، آثاری بس گران‌سنگ و پرمایه در عرصه‌های حقوق عمومی و فقه سیاسی از خود به یادگار گذاشت. روحش شاد و یادش گرامی باد.

از مجموع مباحث حضرت استاد تدوین و گردآوری شده‌اند<sup>۱</sup> که یکایک آن‌ها ضمن این که برابند زحمات طاقت‌فرسای استقصای علمی و تفرّس فکری بوده‌اند، اما از آن رو که صورت‌بندی و ادبیات حاکم بر این آثار با ادبیات ساری و جاری در حقوق عمومی متفاوت است و از سوی دیگر هرچند که بیشتر همین آثار هم راهنما و منبع خوبی برای تهیه این کتاب بوده‌اند،<sup>۲</sup> اما به دلیل سبک نگارش و حجم مجموع آن‌ها که با متن منظم تحقیقی و آموزشی تناسبی ندارند و در قالب و صورت مباحث حقوق عمومی هم درنیامده‌اند، لذا این اثر در مقایسه با آن‌ها بدیع و متمایز است. به هر حال مواردی از قبیل نو و بدیع بودن موضوع، فقدان ادبیات مدوّن پژوهشی مشابه، کشف و فهم رهیافت‌های جدید در حقوق عمومی، صورت‌بندی جدید در بررسی و تحلیل این رهیافت‌ها را می‌توان از جنبه‌های نوآورانه این اثر به‌شمار آورد.

امتیاز و نوآوری دیگر این اثر آن است که «الگوی منظومه‌ای» پیش گفته که محور اندیشه استاد و برخاسته از حکمت متعالیه و درصدد اثبات هماهنگی «نقل» با «برهان (عقل)» و «برهان» با «عرفان» است در جای‌جای اثر مشهود و ملحوظ است. با این توضیح که آثار مکتوب، مطبوع، علمی و فکری استاد، هرچند به لحاظ شمولیت و جامعیت، بی‌نظیر و واجد حوزه‌های متعدد علمی و ابعاد گوناگون کلامی، قرآنی، فقهی، اصولی، فلسفی، حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و سیاست خارجی است، لکن همه این آثار و اندیشه‌های فکری گسترده، به‌صورت منظم حول یک محور می‌چرخند که آن محور هم، در اندیشه استاد «حکمت متعالیه» و جمع میان برهان، عرفان و قرآن است؛ چون در منظومه فکری معظم‌له عقل، شهود و وحی با هم هماهنگ‌اند<sup>۳</sup> آن گونه که در اثر گران‌سنگ تفسیر تسنیم و در تفسیر آیات شریفه، استاد ضمن توجه به روایات به مباحث عقلی و عرفانی هم توجه ویژه‌ای دارند و لذا مباحث «حقوق عمومی» را نیز با در نظر گرفتن ابعاد مختلف قرآنی، روایی، کلامی، فقهی، اصولی و غیره حول همان محور تبیین و تحلیل می‌کنند، از این لحاظ

۱. ر.ک.: سلسله بحث‌های فلسفه دین، فلسفه حقوق بشر؛ سلسله بحث‌های فلسفه دین، حق و تکلیف در اسلام؛ اسلام و محیط زیست؛ روابط بین‌الملل در اسلام؛ ادب قضا در اسلام؛ ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت؛ اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی و غیره.

۲. علت این که این آثار وزین با داشتن موضوعات و محمولات متفاوت، راهنما و منبع خوبی در تهیه این اثر بوده‌اند آن است که مباحث و مطالب مندرج و مطروحه در آن‌ها همانند سایر آثار نفیس حضرت استاد حول محور مبادی، مبانی و منابع علوم انسانی است و به قول صاحب کفایه مرحوم محقق خراسانی (ره) اشتراک در غرض واحدی دارند و یا به عبارت دیگر مرتبط با «فلسفه علم و فلسفه حقوق» اند. مسائل و مباحثی که آبخشور مسائل متعدد و پراکنده «دانش حقوق» است و لذا می‌توان به راحتی از آن‌ها در تدوین و حل مسائل رشته‌های مختلف حقوق «استعاره» گرفت.

۳. ر.ک.: جوادی آملی، مفاتیح الحیة، ص ۴۰ و ۵۲.

این اثر ابتدا بر «منظومه فکری» حضرت استاد دارد که خود این منظومه نیز ریشه در اندیشه‌های عمیق فلسفی، کلامی، فقهی، عرفانی و هدف و دغدغه‌های چندین دهه فعالیت‌های دقیق عالمانه و حکیمانه استاد دارد که در برهه‌ای نیز به‌عنوان یکی از اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (مجلس خبرگان قانون اساسی) و عضو شورای عالی قضایی نقش مؤثری در تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظام حقوقی و قضایی برخاسته از آن داشته‌اند.

به هر حال اثر پیش‌رو با این اوصاف و نوآوری‌ها ضمن این که منبعی تحقیقی برای تحلیل مبانی نظام حقوقی-سیاسی اسلام به‌شمار می‌رود می‌تواند به‌عنوان یک منبع درسی مهم و مورد استفاده دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری برای دروس «حقوق عمومی در اسلام»، «حقوق بشر در اسلام»، «بررسی تحلیلی مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران» و «اندیشه سیاسی اسلام» قرار گیرد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود کتاب حاضر در چهار بخش سازمان‌دهی شده است. در بخش اول با عنوان بنیادهای حقوق عمومی سعی شده تصویری از منشأ، ادله استنباط و مبانی حقوق عمومی ارائه شود تا مخاطب ضمن فهم نظام‌مند حقوق عمومی به ارتباط دوسویه «دین» و «حقوق عمومی» و نقش دین در شکل‌گیری بنیان‌های حقوق عمومی پی ببرد. بخش دوم به مباحث مهم جامعه سیاسی، حکومت و مسائل پیرامونی آن اختصاص دارد. در پرداختن به این مباحث ضمن مطالعه مقارنه‌ای و تطبیقی، معرفی دیدگاه‌های قرآنی و وحیانی با اتکا بر اندیشه استاد جوادی آملی مد نظر بوده است. بخش سوم کتاب، درباره عناصر و ارکان مندرج در بستر حکومت و جامعه سیاسی به‌ویژه مطالعه امامت و رهبری در نظام اسلامی است و نهایتاً بخش چهارم مشتمل بر اهم شاخه‌های حقوق عمومی از جمله حقوق بشر و حقوق شهروندی، حقوق اداری و چند شعبه فرعی حقوق عمومی مأخوذ از اندیشه حضرت استاد است.

در پایان ضمن ابراز تشکر و سپاس از ارزیابان و ناظران بصیر و تیزبین کتاب حاضر، اعلام می‌دارم که کمال و اتقان اثر، حاصل تلاش آنان و آنچه از خلأ و کاستی است مربوط به این جانب است؛ همچنین ضمن آرزوی طول عمر و سلامتی و عزت روزافزون برای حکیم متأله و فقیه فرزانه حضرت استاد علامه آیت‌الله جوادی آملی (دام عزه العالی) که اندیشه‌های وحیانی معظم‌له همچون چشمه ساری زلال و جوشان، تشنگان علم و معرفت را سیراب می‌کند، از مسئولان محترم پژوهشگاه علوم وحیانی معارج، پژوهشکده فقه و اصول، و از مسئولان محترم مرکز نشر اسراء و سازمان «سمت» (سرکار خانم مریم ربانی، ویراستار؛ سرکار خانم کبری بیون، کنترل فنی و سرکار خانم رؤیا صالحی، صفحه‌پرداز) برای طبع و نشر این اثر سپاسگزاری می‌نمایم.

بمنه و توفیقه

ابراهیم موسی‌زاده